



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حمایت از محرومان در سیره حسینی

محمد مهدی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمایت از محرومان در سیره حسینی

نویسنده:

محمد مهدی پور

ناشر چاپی:

مجله کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حمایت از محرومان در سیره حسینی
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۷ رفتار امام حسین با نیازمندان
۷ یاری به بدهکاران بی بضاعت
۷ بخشش محبوب‌ترین مال
۷ توجه به آبرو و شخصیت افراد
۸ یار یتیمان و بی پناهان
۸ شهریار بنده نواز
۹ رفع نیاز به اندازه معرفت
۹ در پرتو آفتاب رحمت
۱۰ توزیع بیت المال به نفع نیازمندان
۱۰ پاسداری از منابع خیریه
۱۱ در اوج جوانمردی
۱۱ یاری به محرومان فرهنگی
۱۲ پاورقی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حمایت از محرومان در سیره حسینی

مشخصات کتاب

عنوان: حمایت از محرومان در سیره حسینی

پدیدآورندگان: محمد مهدی پور (پدیدآور)

ناشر منشأ مقاله: نشریه کوثر، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۸۱

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: سیره ائمه اطهار (ع)

محرومان جامعه

امام حسین (ع)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران الهی، ایجاد قسط و عدل و کمک رسانی به محرومان و ضعیفان جامعه و برقراری عدالت در جامعه است. [۱]. در جامعه اسلامی باید مسلمانان از لحاظ توزیع ثروت‌های عمومی، امتیازها و امتیازها و بهداشت و درمان، دسترسی اطلاعات مورد نیاز و سایر خدمات، در حد مساوی قرار گیرند و موقعیت سیاسی، اجتماعی و دینی عده‌ای، نباید موجب از بین رفتن عدالت اجتماعی و در نتیجه تضییع حقوق ضعیفان و طبقات محروم گردد. رهبران الهی، تلاش می‌کنند که فقرا و محرومان جامعه، علاوه بر رشد فکری و فرهنگی، از محرومیت‌های مادی نیز رها شده و یک زندگی مناسب و در شأن خود داشته باشند. از این رو، سرپرستان دینی بر خود فرض می‌دانند که در حد توان با انواع فقر و محرومیت مبارزه کرده و این پدیده زشت و زیانبار را، که نتیجه بی‌عدالتی و ظلم و ستم برخی از اصحاب زر و زور می‌باشد، از جامعه ریشه کن نمایند و قسط و عدالت و مساوات را جایگزین آن سازند. همچنان که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا مِنْ عِلَّاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَذْنَى». [۲]

«خدا را! خدارا! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، بیچارگان و نیازمندان، گرفتاران، دردمندان، که هیچ چاره‌ای ندارند. در این طبقه محروم، گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی دیگر، به گدایی دست نیاز باز می‌کنند، پس برای خدا حق این طبقه را پاس دار. بخشی از بیت المال و بخشی از غله‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات محروم اختصاص بده؛ چرا که برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی وجود دارد.» با توجه به این موضوع مهم، در این فرصت فرازهایی از سخنان و سیره حضرت امام حسین علیه‌السلام را در امداد به محرومان و نیازمندان انتخاب کرده و در معرض مطالعه خوانندگان گرامی قرار می‌دهیم تا بدین وسیله یکی از زیباترین صفحات زرین تاریخ انسانیت و احترام واقعی به حقوق بشر را در طول زندگی ورق بزنیم؛ باشد که علاقمندان حضرت، بویژه دست اندرکاران مسئول، شیوه خداپسندانه آن امام همام را مد نظر قرار داده و جامعه را به سوی خیر و صلاح و سعادت ابدی پیش ببرند و این سخن گرانقدر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را آویزه گوش خود سازند که فرمود: «لَنْ

تُقَدِّسُ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقَّهُ مِنَ الْقَوَىٰ غَيْرَ مُتَّعِجٍ؛ [۳] جامعه‌ای که حق محرومان و ضعیفان از زورداران بدون اضطراب و وا همه باز ستانده نشود، افراد آن جامعه هیچ گاه روی سعادت و رستگاری نخواهند دید. «این نوشتار در دو بخش تنظیم شده که در بخش نخست، به رفتار امام حسین علیه‌السلام در مورد یاری به نیازمندان می‌پردازیم و در قسمت دوم، گفتار آن حضرت را در این موضوع بررسی خواهیم کرد.

رفتار امام حسین با نیازمندان

یاری به بدهکاران بی بضاعت

ملاقات بیماران، دلجوئی از گرفتاران و دستگیری از درماندگان، از خصلت‌های بارز و همیشگی سالار شهیدان بود. آن حضرت به ملاقات بیماران بی‌بضاعت می‌رفت و علاوه بر تفقد احوال آنان، مشکلات مادی و گرفتاری‌های اقتصادی آنان را در حدّ توان برطرف می‌کرد. روزی امام حسین علیه‌السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامه بن زید رفت. او در بستر بیماری آه و زاری می‌کرد و می‌گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: چه اندوهی داری؟ اسامه بن زید گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته است. امام فرمود: ناراحت نباش! من تمام بدهی‌های تو را پرداخت می‌کنم. اسامه گفت: می‌ترسم قبل از پرداخت بدهی‌هایم، بمیرم. حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام فرمود: من تمام بدهی‌های تو را قبل از مرگ تو می‌پردازم. حضرت اباعبدالله علیه‌السلام همچنان که وعده داده، بود قبل از مرگ اسامه تمام قرض‌های وی را پرداخت. [۴].

بخش محبوب‌ترین مال

امام حسین علیه‌السلام در کمک رسانی به طبقات محروم جامعه، گاهی شکر تصدّق می‌داد. از آن حضرت پرسیدند: ای فرزند رسول الله! چرا شکر در راه خدا می‌دهید؟ فرمود: من خودم شکر دوست دارم و خدای متعال در قرآن شریف فرموده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» [۵]؛ «هرگز به مقام حقیقی نیکوکاران نمی‌رسید، مگر این که از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید.» و انفاق دوست داشتنی‌ترین مال پیش من، از بهترین چیزهاست. [۶].

توجه به آبرو و شخصیت افراد

پیشوای سوم در یاری رسانی به درماندگان و بی‌پناهان، برای آبرو و حیثیت آنان اهمیت زیادی قائل بود؛ آن چنان که در بخشش‌ها و امدادهای خویش این نکته را همیشه مدّ نظر داشت که مبادا عزّت نفس و شخصیت نیازمند، خدشه دار شود! روزی مردی بینوا که در اثر فشار زندگی از همه جا دستش کوتاه شده و با امید رسیدن به نوایی به مدینه آمده بود، از کریم‌ترین و سخی‌ترین فرد آن شهر سؤال کرد. به او گفتند: حسین بن علی علیهما‌السلام سخی‌ترین انسان در این جاست. او در جست و جوی آن حضرت به مسجد رفت و آن بزرگوار را در حال نماز یافت. آنگاه با ابیاتی چند خواسته‌اش را مطرح نمود: حَرَّكَكَ مِنْ دُونِ بَابِكَ الْحَلَقَةُ لَمْ يَخِبِ الْآنَ مَنْ رَجَاكَ وَ مَنَابُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلُ الْفَسِيقَةِ أَنْتَ جَوَادٌ وَ أَنْتَ مُعْتَمِدُ كَانَتْ عَلَيْنَا الْجَهِيمُ مُنْطَبِقَةً لَوْلَا الَّذِي كَانَ مِنْ أَوْلَائِكُمْنَا امید و مأیوس نمی‌شود کسی که به تو امید بسته و درب خانه‌ات را بکوبد. تو بخشنده‌ای و تو مورد اعتماد هستی و پدردت نابود کننده افراد فاسق و تبه‌کار بود. اگر هدایت‌ها و زحمات شما خاندان رسالت نبود، عذاب جهنّم همه ما را فرامی‌گرفت. امام حسین علیه‌السلام بعد از شنیدن سخنان وی رو به قبر کرده، فرمود: آیا از مال حجاز، چیزی به جای مانده است؟ قبر گفت: بلی، چهار

هزار دینار داریم. امام فرمود: قنبر! آنها را حاضر کن که این شخص در مصرف آنها از ما سزاوارتر و نیازمندتر است. سپس به منزل رفته و ردای خود را که بردی (یمانی) بود، از تن در آورده و دینارها را در آن پیچیده، به خاطر شرم و حیا از اعرابی، از لای در به آن مرد نیازمند داد و اشعار او را نیز با ابیاتی زیبا و در همان وزن پاسخ گفت: *وَاعْلَمَ بِأَنِّي عَلَيْكَ دُو شَفَقَةٍ خُذْهَا فَإِنِّي إِلَيْكَ مُعْتَدِرٌ أَمْسَتْ سَيِّمَانَا عَلَيْكَ مُنْدَفِقَةٌ لَوْ كَانَ فِي سِيرِنَا الْعِدَاءُ عَصَاوَالْكَفُّ مِنِّي قَلِيلُهُ النَّفَقَةُ لَكِنَّ رَبِّبَ الزَّمَانِ دُو غَيْرِائِنَهَا رَا بَغِيرُ؛* من از تو عذر می‌خواهم و بدان که من به تو علاقمند و مهربان هستم. اگر امروز قدرت و حکومتی دست ما بود، آسمان جود و رحمت ما بر تو ریزش می‌کرد. ولی حوادث روزگار در حال دگرگونی است (بدین جهت تنگدست شده) و بخشش ما اندک شده است. مرد عرب آن هدیه‌ها را گرفته و گریست، امام حسین علیه‌السلام فرمود: آیا عطای ما را کم شمردی؟ گفت: نه، هرگز! بلکه به این می‌اندیشم که این دستان پرمهر و با سخاوت چگونه در زیر خاک پنهان خواهد شد! [۷].

بار یتیمان و بی پناهان

حضرت اباعبدالله علیه‌السلام همانند پدر گرامی‌اش امیرمؤمنان علی علیه‌السلام از رسیدگی به وضع یتیمان، غافل نبود؛ آن حضرت تلاش می‌کرد که نیاز آنان را در جامعه اسلامی، به قدر امکان بر طرف ساخته و مرهمی بر دل اندوهناک آنان بگذارد. بدین جهت به طور ناشناس و در دل شب به رفع حوائج یتیمان و مستمندان، همت می‌گماشت. این عمل امام حسین علیه‌السلام آن چنان دور از انظار مردم بود که تا بعد از شهادت آن بزرگوار کسی متوجه این خصلت خدا پسندانه آن حضرت نشد. شعب بن عبدالرحمن خزاعی می‌گوید: بعد از واقعه عاشورا، مردان قبیله بنی‌اسد، هنگامی که خواستند جسد مطهر امام حسین علیه‌السلام را دفن کنند، در دوش آن حضرت اثر پینه و کوبیدگی زخمی یافتند که کاملاً از جراحت‌های جنگی متفاوت بود؛ زخم کهنه‌ای بود که هیچ شباهتی به زخم‌های روز عاشورا نداشت. از امام زین العابدین علیه‌السلام در این مورد سؤال کردند و آن حضرت در پاسخ فرمود: «هَذَا مِمَّا يَنْقُلُ الْجِرَابُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى [۸]؛ این زخم در اثر حمل بار و کیسه‌های غذا و هیزم به خانه‌های بیوه زنان، یتیمان و مستمندان می‌باشد که پدرم بر دوش خویش آنها را حمل می‌کرد.» می‌کشد بار گدایان بر دوش شهریاری که به شب بُرَقع پوشمی برد نان یتیمان عرب ناشناسی که به تاریکی شب

شهریار بنده نواز

روزی امام حسین علیه‌السلام به همراه بعضی از یارانش به باغ خود رفت. در باغ آن حضرت غلامی به نام «صافی» باغبانی می‌کرد. همین که نزدیک باغ رسید، غلام را دید که نشسته و نان می‌خورد، امام حسین علیه‌السلام در کنار یکی از نخل‌ها و در جایی که غلام او را نمی‌دید، نشست و مشاهده کرد که غلام لقمه نانی را گرفته، نصف آن را جلوی سگ می‌افکند و نیمه دیگر را خود می‌خورد. چون از خوردن نان فارغ شد، دست به دعا برداشته و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِسَيِّدِي وَ بَارِكْ لَهُ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى أَبِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ تمام حمد و سپاس مخصوص پروردگار عالمین است. خداوندا! مرا بیمارز و آقايم را بیمارز و بر او خیر و برکت خود را ارزانی دار، همان گونه که به پدر و مادر او خیر و برکت خود را ارزانی داشته‌ای، ای مهربان‌ترین مهربانان!» این رفتار پسندیده غلام مورد رضایت و توجه امام علیه‌السلام قرار گرفت و آن حضرت با خوشحالی از جای خود بلند شده و صدا زد: ای صافی! غلام با شنیدن صدای آن بزرگوار دستپاچه شده و عرض کرد: سرورم! ای مولای همه اهل ایمان تا روز قیامت! مرا معذوردار چون از حضور شما در باغ مطلع نبودم و شما را ندیدم. امام علیه‌السلام فرمود: ای صافی! تو مرا حلال کن که من بدون اذن به باغ تو آمدم. صافی گفت: این سخن شما نشانه بزرگواری، کرامت و آقایی شماست و گرنه، این باغ که مال شماست. امام فرمود: دیدم که نصف لقمه خود را به طرف سگ می‌انداختی و نصف دیگرش را خود می‌خوردی؛ چرا چنین

می‌کردی؟ او پاسخ داد: در حال خوردن نان، دیدم این حیوان به من نگاه می‌کند، از او خجالت کشیدم. او سگ شماس است که باغ شما را پاسداری می‌کند، من هم بنده و غلام شما هستم و هر دو ریزه خوار نعمت شمایم. با شنیدن این گفتار متین و مؤدبانه، چشمان امام پر از اشک شد و فرمود: حال که چنین است، تو در راه خدا آزادی و هزار دینار به تو بخشیدم. غلام عرض کرد: اما من همچنان دوست دارم باز هم در باغ شما خدمت نمایم. مملوک آن جنابم و محتاج این درم شاها اگر به عرش رسانم سدیر فضلائین مهر بر که افکنم، این دل کجا برم؟ گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر امام حسین علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْكَرِيمَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُصَدَّقَ قَوْلُهُ بِالْفِعْلِ؛ البته شایسته است شخص کریم، کردار خویش را با گفتارش هماهنگ نماید.» آیا به تو نگفتم: مرا حلال کن که بی‌اجازه به باغت آمدم؟! اکنون کردار خود را با گفتارم هماهنگ می‌کنم و این باغ را به تو می‌بخشم. پس حالا یاران مرا که اینجا آمده‌اند، مهمان حساب کن و به خاطر من از آنان پذیرایی نما. خداوند متعال تو را در قیامت مهمان کند و بر اخلاق و ادب تو بیش از پیش بیفزاید. صافی عرض کرد: حال که این باغ را به من بخشیدی، من نیز آن را برای اصحاب و شیعیان تو وقف نمودم. [۹]

رفع نیاز به اندازه معرفت

شخصی به حضور امام حسین علیه السلام آمده، عرضه داشت: من خون‌بهایی را عهده‌دار شده‌ام، اما در پرداخت آن ناتوانم. پیش خود گفتم: این مشکل را با کریم‌ترین مردم عصر در میان بگذارم و کریم‌تر از شما نیافتم. امام علیه السلام به او فرمود: ای برادر! من سه سؤال از تو می‌کنم، اگر یکی را پاسخ دادی، یک سوم بدهی‌ات را می‌پردازم و اگر دو تا را جواب گفتمی، دو سوم. اگر همه را صحیح پاسخ دادی، تمام بدهی‌ات را خواهم پرداخت. مرد بی‌بضاعت با لحنی خاص گفت: «یا بن رسول الله أمثلک یسهل عن مثلی، و انت من أهل العلم و الشرف؛ ای پسر رسول الله! آیا شخصی مثل شما - که از خاندان علم و شرف هستی - از همچو منی سؤال می‌کند؟! امام حسین علیه السلام فرمود: بلی، از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می‌فرمود: «الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ؛ نیکی و بخشش، به قدر معرفت گیرنده است.» مرد گفت: هر چه می‌خواهی بپرس! و سؤال و جواب بین امام و این مرد این گونه ادامه یافت: - کدام عمل فضیلت بیشتری دارد؟ - ایمان به خدا. - راه نجات از هلاکت چیست؟ - اعتماد به خدا. - آرایش و زیبایی یک فرد به چیست؟ - علم و دانشی که با حلم و بردباری توأم باشد. - اگر آن نبود؟ - ثروتی که با انصاف و مروّت همراه باشد. - اگر آن نبود؟ - فقر و محرومیتی که با صبر و پایداری همراه باشد. - اگر آن هم نباشد؟ - در این صورت بهتر است بلایی از آسمان آمده و چنین کسی را نابود کند، که او شایسته همین است. در اینجا امام حسین علیه السلام خندید و کیسه‌ای حاوی هزار دینار به وی داد و سپس انگشتر خود را هم که نگینش ۲۰۰ درهم می‌ارزید، به عطای خویش اضافه کرد و فرمود: «یا اعرابی! اعطی الذّهب الی عزمائک و اضیرف الخاتم فی نفقک؛ ای مرد عرب! این سکه‌های طلا را به طلبکاران خود بده و انگشتری را هم در مصرف شخصی خود خرج کن.» مرد بدهکار با خوشحالی تمام، هدیه امام را گرفته و در حالی که این آیه را قرائت می‌کرد: «اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» [۱۰] محضر امام را ترک کرد. [۱۱].

در پرتو آفتاب رحمت

کمک‌های بشر دوستانه آن آفتاب رحمت بر همه بیچارگان - اعم از زن و مرد، آشنا و غیر آشنا، حتی مخالفان آن حضرت - شامل می‌شد. اخبار و گزارش‌هایی از زندگی آن پیشوای مهربان در لا به لای تاریخ، از این واقعیت حکایت دارد. حادثه زیر، یکی از این اقدامات آن حضرت می‌باشد: هنگامی که امام در سفر کربلا به سرزمین ثعلبیه رسید، با یک خانواده سه نفره مسیحی برخورد نمود. خیمه ساده و بی‌آلایش آنان در گوشه‌ای از بیابان - که حکایت از نهایت فقر و محرومیت‌شان داشت - توجه امام را به خود جلب

کرد. آن روز «قمر» (مادر خانواده) تنها بود و پسرش «وهب» به همراه عروسش (هانیه) به صحرا رفته بودند. امام حسین علیه‌السلام وارد خیمه شد و با مهربانی و بزرگواری تمام از «امّ وهب» جوایای حال آنان شد. قمر گفت: ما از وضع زندگی خود راضی هستیم، فقط در این منطقه از کمبود آب رنج می‌کشیم. حضرت اباعبدالله علیه‌السلام او را به کنار خیمه در نزدیک سنگی برد و با نیزه خود آن سنگ را از جاکند و به برکت آن حضرت، از زیر سنگ آب گوارایی جاری شد. پیر زن از دیدن این منظره بسیار خوشحال شد و از امام حسین علیه‌السلام تشکر نمود. هنگام خدا حافظی، حضرت اباعبدالله علیه‌السلام ماجرای سفر خود را به کربلا به او توضیح داد و اضافه نمود: ما نیاز به یار و یاور داریم؛ وقتی که پسر و هوب به خیمه بازگشت، بگو به ما بیوندد و ما را در راه دفاع از حق و مبارزه با ظلم و بیداد یاری نماید. بعد از رفتن امام، زن مسیحی در حیرت و تفکر فرو رفت. عظمت، کرامت، فقیرنوازی و مهربانی آن بزرگوار، فکر و دل و جان او را تسخیر نموده و تا شب که «هانیه» و «وهب» به پیش او باز گشتند، او همچنان به شکوه و مجد و روحانیت امام حسین علیه‌السلام می‌اندیشید. هنگامی که پسر و عروسش به خیمه آمدند و با کمال حیرت و ناباوری، چشمه‌ای گوارا و زلال را در کنار خیمه خود مشاهده کردند، از قمر ماجرا را پرسیدند. او بعد از گزارش کامل آمدن امام علیه‌السلام و کرامت آن حضرت، پیام امام حسین علیه‌السلام را نیز به پسرش ابلاغ نمود. این خانواده مسیحی بعد از این حادثه شیفته اخلاق، رفتار و منش کریمانه آن حضرت شدند و با قلبی سرشار از عشق و محبت، بار سفر بسته و به دنبال کاروان حسینی علیه‌السلام به راه افتادند. آنان به حضور امام حسین علیه‌السلام رسیده، به دست آن حضرت مسلمان شدند و با کمال اشتیاق به همراه قافله آن بزرگوار به کربلا آمدند. سرانجام در روز عاشورا «وهب» و «هانیه» در رکاب امام حسین علیه‌السلام به شهادت رسیدند و «قمر» نیز با دلاوری‌های خود از حریم امام دفاع نمود و حماسه‌ها آفرید. هانیه، همسر وهب، تنها زنی است که در میان شهدای کربلا دیده می‌شود. [۱۲].

توزیع بیت المال به نفع نیازمندان

حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در مواقع مقتضی، برای حمایت از نیازمندان و محرومان جامعه اسلامی به اقدامات عملی و حرکت‌های انقلابی دست می‌زد. آن حضرت از آنجایی که بعد از شهادت برادرش امام مجتبی علیه‌السلام حجت الهی و امام امت بود، با استفاده از نفوذ معنوی و اقتدار خویش در اموال حکومت و بیت المال مسلمانان تصرف کرده و آن را به نفع محرومان و درماندگان جامعه توزیع می‌نمود. در سال پنجاه و چهارم هجری، یکی از کاروان‌های حامل اموال حکومتی که از یمن برای معاویه ارسال شده بود، به مدینه رسید. امام حسین علیه‌السلام دستور داد تا آن را توقیف نموده و محموله‌های آن را در میان نیازمندان بنی‌هاشم و دیگران تقسیم نمایند. آنگاه به معاویه نامه‌ای به این مضمون نوشت: از حسین بن علی به معاویه ابی‌سفیان! اما بعد، ما با کاروانی مواجه شدیم که اموال و پوشاک و عنبر و انواع عطرها را برای تو می‌آورد، تا آنها را در خزائن دمشق ذخیره کرده و در رفاه و آسایش خود و بستگان مصرف نمایی. اما من به آنها نیاز داشتم و قبل از تو آن را تصرف کردم. والسلام. این عمل انقلابی حضرت اباعبدالله علیه‌السلام اسباب نارضایتی معاویه را فراهم آورد و طی نامه‌ای، آن حضرت را از عواقب این کار برحذر داشت. [۱۳].

پاسداری از منابع خیریه

آن حضرت به محافظت از منابع در آمد فقرا و نیازمندان اهتمام جدی داشت. و علاوه بر این که منابع درآمدی را بر محرومان و نیازمندان وقف کرده بود، از موقوفات دیگر نیز حمایت و پاسداری می‌کرد. روایت زیر، یکی از این نمونه‌ها را بیان می‌کند: زمانی امام حسین علیه‌السلام بر اثر رسیدگی به فقرا و محرومان تنگ دست و بدهکار گردید؛ معاویه از فرصت استفاده کرده و نامه‌ای را به

همراه دویست هزار دینار به آن حضرت ارسال نمود. او در نامه خود از امام خواسته بود که چشمه «نیزر» را - که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام آن را با دستان خویش حفر کرده و درآمد آن را بر فقراى مدینه و در راه‌ماندگان وقف کرده و اختیار آن در دست امام حسین علیه‌السلام بود - با او معامله کند. حضرت اباعبدالله علیه‌السلام درخواست وی را به شدت رد کرده، فرمود: «أَمَا تَصَدَّقُ بِهَا أَبِي لَيْقَى اللَّهِ بِهَا وَجَهَهُ حَرَ النَّارِ وَ لَسْتُ بِأَيُّهَا بِشَىءٍ؛ پدرم علی علیه‌السلام این چشمه را در راه خدا وقف کرده است تا این که خداوند متعال او را از آتش جهنم نجات دهد. و من آن را به هیچ قیمتی نخواهم فروخت.» [۱۴].

در اوج جوانمردی

امام حسین علیه‌السلام در رسیدگی به نیازمندان، موافق و مخالف نمی‌شناخت. آن حضرت بر این باور بود که رسم جوانمردی اقتضاء می‌کند که باید به درماندگان، بیچارگان و نیازمندان کمک نمود. آری، مهربانی و مهرورزی به تمام افراد بشر، عادت مستمر مردان الهی است و دستگیری از افتادگان، شیوه همیشگی اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام می‌باشد. علی بن طعان محاربی می‌گوید: هنگامی که لشکر حرّ قافله امام حسین علیه‌السلام را محاصره کرد، آن روز من آخرین نفری بودم که از سپاه حرّ به منزل «ذو حِسم» رسیدم. امام حسین علیه‌السلام چون تشنگی من و اسبم را مشاهده کرد، به من فرمود: «أَنْخِ الزَّوایه؛ این راویه را بخوابان!» و چون ما راویه به مشک می‌گفتیم، منظور امام را نفهمیدم. حضرت دوباره فرمود: «یا بنِ اخی، انخِ الجمل؛ برادر زاده! آن شتری را که مشک آب روی اوست بخوابان.» چون شتر را خواباندم فرمود: از آب آن بخور. من خواستم آب بخورم، اما دستپاچه شدم و نتوانستم. امام حسین علیه‌السلام برخاسته از آن مشک، من و اسبم را سیراب نمود. [۱۵]. حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام این همه مهر و محبت را برای کسی ابراز نمود که به جنگ او آمده بود. آن بزرگوار فردی را سیراب کرد که او جزو سپاهی بود که در روز عاشورا وی را با لب عطشان به شهادت رساندند!

یاری به محرومان فرهنگی

یکی از مهم‌ترین محرومیت‌ها، فقر عاطفی و فرهنگی است. تعداد محرومان این طیف، به مراتب بیشتر از نیازمندان مادی و اقتصادی است؛ چرا که اولاً فقر مادی محسوس است، اما نیازهای عاطفی و فرهنگی غیر محسوس هستند. ثانیاً مربی آگاه و دلسوز لازم است که این نیاز را برطرف نماید و کار هر کس نیست. فقر مادی همچون فقر معنوی، انسان را نمی‌آزارد و محرومان مادی همانند محرومان معنوی در معرض سقوط و هلاکت نیستند. در سیره عملی امام حسین علیه‌السلام نه تنها به محرومیت‌های ظاهری و مادی توجه می‌شد بلکه کسانی که از جنبه عاطفی، فرهنگی و معنوی کمبود داشتند نیز در زیر چتر پوشش آن حضرت قرار می‌گرفتند. ابن عساکر می‌نویسد: فردی به نام عصام شامی وارد مدینه شد. مشاهده سیمای پاکیزه و نورانی امام حسین علیه‌السلام آتش حسد و کینه دیرینه را در دل او شعله‌ور ساخت و او ناتوان از کنترل احساسات زشت خویش، نزد آن حضرت رفته، پرسید: آیا تویی پسر ابوتراب؟ فرمود: بلی. عصام، هر چقدر می‌توانست به امام و پدر بزرگوارش فحش و ناسزا و کلمات رکیک نثار کرد. امام بعد از شنیدن سخنان ناپسند وی، با عطوفت و مهربانی به وی نگرسته و آیاتی را در فضیلت عفو و گذشت قرائت کرد، آنگاه به عصام فرمود: ای برادر! برخود سبک و آسان بگیر و برای من و خودت استغفار کن! مطمئن باش اگر از ما یاری بخواهی، یاور تو خواهیم بود و اگر عطا و بخشش بطلبی، به تو عطا می‌کنیم و اگر ارشاد و راهنمایی بجویی، تو را ارشاد خواهیم کرد (هر نیازی و گرفتاری داری به ما بگو). او بعد از این رفتار شفقت‌آمیز امام علیه‌السلام از جسارت‌های خود پشیمان شد. حضرت اباعبدالله علیه‌السلام وقتی در چهره او نشانه ندامت را مشاهده کرد، این آیه را قرائت نمود: «لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» [۱۶]؛ امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست، خداوند شما را می‌بخشد و او «ارحم الراحمین» است. در این حال از عصام پرسید: آیا از اهل

شام هستی؟! گفت: بلی. حضرت در ادامه به او فرمود: هر نیازی داری بدون اضطراب و شرم و خجالت، از ما بخواه که ان شاء الله برآورده می‌شود. عصام با مشاهده این همه بزرگواری، انسانیت و اخلاق، آن چنان از خود و عمل ناپسندش شرمند شد که در آن لحظه آرزو می‌کرد که‌ای کاش به زمین فرو می‌رفت! اما بعد از این حادثه در منظر او، شخصیت امام حسین علیه‌السلام و پدر گرامی‌اش محبوب‌ترین افراد روی زمین بودند. [۱۷]. مولوی در مورد تأثیر ابراز محبت به نیازمندان عاطفی و محرومان معنوی می‌گوید: از محبت مس‌ها زرین شود از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت دردها شافی شود از محبت دُردها صافی شود از محبت شاه بنده می‌کنند از محبت مرده زنده می‌کنند

پاورقی

[۱] «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید / ۲۵).

[۲] نهج البلاغه، نامه ۵۳.

[۳] همان.

[۴] لواعج الاشجان، ص ۱۴؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۲۱.

[۵] آل عمران / ۹۲.

[۶] تفسیر کنزالدقائق، ج ۳، ص ۱۵۹.

[۷] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

[۸] المناقب، ج ۴، ص ۶۶؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

[۹] مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۹۳؛ کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۶۲۶.

[۱۰] انعام / ۱۲۴.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶.

[۱۲] سوگنامه آل محمد، ص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۰۱.

[۱۳] ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ حیاة الامام الحسین (ع)، ج ۲، ص ۲۳۲.

[۱۴] مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۶۲؛ مناقب امیرمؤمنان، ج ۲، ص ۸۲.

[۱۵] ارشاد، مفید، ص ۷۸؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۲.

[۱۶] یوسف / ۹۲.

[۱۷] تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۳، ص ۲۲۴؛ منازل الآخرة، ص ۸۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵)(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرت! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

